

## The Emergence of ‘Ashura Themes in the Silk Textiles of the Late Safavid Period

Mohammad Mashhadi Noosh Abadi<sup>1</sup> , Mohamad Reza Ghiasian<sup>2</sup> 

1. Department of Religions and Philosophy, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan (mmn5135@kashanu.ac.ir)
2. Department of Islamic Art, Faculty of Art and Architecture, University of Kashan (ghiasian@kashanu.ac.ir)

---

### Article Info

### ABSTRACT

---

**Article type:**

Research Article

**Article history:**

Received: 253 September 2023

Received in revised form: 12 November 2023

Accepted: 26 December 2023

Published online: 10 January 2024

**Keywords:**

*Hussainiyeh,*  
*Imam Hussain,*  
*Safavid Sultan Hussain*  
*Shiite Art,*  
*Silk Textiles.*

In museums and collections of Islamic art, there are silk textiles from the Safavid period that often bear inscriptions featuring the name of Imam Hussain. Despite their varying dimensions and potential diverse functions, most of these works have been classified as tomb covers without being examined collectively. This paper focuses on eighteen pieces, with ten of them dated between 1545 and 1740-41, specifically exploring examples from the eighteenth century. The research aims to address questions regarding the evolution of the content of inscriptions over time, its correlation with the Safavid period's history, as well as identifying the purpose and origin of these textiles. The investigation reveals that the production of these textiles aligned with the expansion of Muharram mourning practices, the construction of Husseiniyah buildings, and the establishment of endowments for Muharram rituals during the reign of Safavid Sultan Hussain. Until around 1710, Shiite references in the textiles were mainly expressed through *salawat-i kabira* and a focus on Imam Ali, but afterwards, the prominence shifted to Imam Hussain's name. Through written sources, book paintings, and analysis of the textile inscriptions, it can be concluded that most of these textiles, particularly mourning banners (*'alam*), were likely created by artists from Kashan.

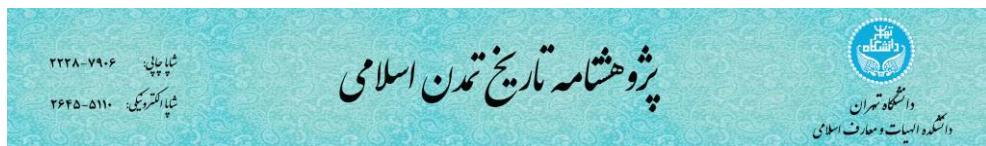
---

**Cite this article:** Mashhadi Noosh Abadi & M., Ghiasian M R. (2024). The Emergence of ‘Ashura Themes in the Silk Textiles of the Late Safavid Period. *Iranian Journal for the History of Islamic Civilization*, 56(1), 37-62.  
DOI: 10.22059/jhic.2023.364112.654427



© The Author(s).  
DOI: 10.22059/jhic.2023.364112.654427

**Publisher:** University of Tehran Press.



## تجلی مضامین عاشورایی در منسوجات ابریشمی اواخر دوره صفوی

محمد مشهدی نوش آبادی<sup>۱</sup>، محمدرضا غیاثیان<sup>۲</sup>

۱. گروه ادبیات و فلسفه، دانشکده ادبیات دانشگاه کاشان، رایانمۀ mmn5135@kashanu.ac.ir

۲. گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، رایانمۀ ghiasian@kashanu.ac.ir

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

در موزه‌های هنر اسلامی، گروهی از منسوجات ابریشمی کتیبه‌دار دوره صفوی یافت می‌شود که به طور عموم در بردارنده نام امام حسین(ع) هستند. این آثار، تاکنون به صورت گروهی بررسی نشده‌اند و با وجود ابعاد بسیار متفاوت و کاربردهای گوناگونی که برای آنها می‌توان تصور کرد، کم‌ویش، تمام آنها قبرپوش معزوفی شده‌اند. در این مقاله، هجده قطعه بررسی می‌شوند که ده نمونه از آنها تاریخ دار هستند و در میان سال‌های ۹۵۲ تا ۱۱۵۳ق بافت‌شده‌اند. این پژوهش یا تمرکز بر نمونه‌های سده دوازدهم، در بی‌پرشی‌های مانند شناسایی تغییرات محتوایی کتیبه‌ها در گذر زمان و ارتباط آن با تاریخ دوره صفوی، و نیز تعیین کاربرد و محل بافت این آثار است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

### کلید واژه‌ها:

بررسی‌ها نشان داده که بافت این پارچه‌ها با توسعه عزاداری‌های محرم، ساخت حسینیه‌ها و ایجاد موقوفات برای آیین‌های محرم در دوره سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۵ق) مقارن است. تا قبل از حدود سال ۱۱۲۰ق دلالت‌های شیعی در منسوجات، به طور معمول در قالب صلوت کبیره و تأکید بر علی(ع) است، اما پس از آن نام حسین(ع) در آنها مرکزیت یافته است. با توجه به اسناد مکتوب، تصاویر نگارگری و نیز محتوای کتیبه‌ها، کاربرد بیشتر آنها علّم، بهویژه علوم عزا بوده است. بر اساس تحلیل متون کتیبه‌ها، می‌توان گفت که این پارچه‌ها به طور عموم از هنرمندان کاشانی است و به طبع باید محل بافت بیشتر آنها کاشان باشد.

استناد: مشهدی نوش آبادی، محمد و غیاثیان محمدرضا (۱۴۰۲). تجلی مضامین عاشورایی در منسوجات ابریشمی اوخر دوره صفوی.

پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۶ (۱)، ۳۷-۶۲. DOI: 10.22059/jhic.2023.364112.654427

© نویسنده‌گان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



DOI: 10.22059/jhic.2023.364112.654427

#### مقدمه

یکی از مواد فرهنگی که در دنیای اسلام در خدمت اهداف مذهبی به کار گرفته شد، منسوجات کتبیه‌دار است که از سده‌های اولیه به بعد کاربردهایی چون کفن و طراز داشته‌اند (نک. Ackerman, 1977: pls. 982-993؛ Mackie, 2015: 47-63). با مرور اشیاء نگهداری شده در موزه‌ها، گروهی از پارچه‌های ابریشمی دوره صفوی با کاربری دینی جلب توجه می‌کنند. این پارچه‌ها در دسترس محققان بوده‌اند، اما تاکنون هیچ گاه به صورت گروهی بررسی نشده‌اند. در متونی که برخی از این نمونه‌ها به صورت تکی معرفی شده، تاحدوی تمام آنها قبرپوش خوانده شده‌اند، این در حالی است که آنها ابعاد بسیار متفاوتی دارند و با توجه به متون کتبیه‌ها، بدون شک کاربری‌های دیگری نیز داشته‌اند. محتوای کتبیه‌ها، شامل آیات قرآن، اسماء‌الحسنى، اسمائی چهارده معصوم، دعاهاشی شیعی، اسمائی واقفان و هنرمندان، اذکار، احادیث و اشعار فارسی است.

در میان هجده قطعه گردآوری شده (کامل و ناقص)، ده نمونه تاریخ‌دار هستند و در میان سال‌های ۹۵۲ تا ۱۱۵۳ق باقی شده‌اند و مابقی نمونه‌ها نیز به‌سبب مشابهت سبکی، قابلیت تاریخ‌گذاری در سدة دوازدهم هجری را دارند. نمونه‌های متعلق به سده‌های دهم و یازدهم هجری، شامل یک پارچه مورخ ۹۵۲ق و دو پارچه مورخ ۱۰۸۰ق است که هر سه در زمرة فاخرترین زربفت‌های کتبیه‌دار تولید شده در ایران هستند که برای مرقد امام رضا(ع) بافته شده‌اند. نمونه‌های سده دوازدهم، زربفت نیستند و فراوانی آنها نشان داده که به‌سفارش دیگر طبقات جامعه بافته و وقف مراکز مذهبی می‌شدند. این مقاله بر این گروه از منسوجات سده دوازدهم و تغییر محتوای مذهبی آنها در گذر زمان متمرکز می‌شود.

پرسش‌های اصلی پژوهش حاضر، این است که درون مایه کتبیه‌های منسوجات ابریشمی صفوی چیست و چه تطوری را در گذر زمان طی کرده‌اند؟ چه ارتباطی میان تغییرات محتوایی کتبیه‌ها و تاریخ دوره صفوی وجود دارد؟ کاربرد اصلی این نفایس کتبیه‌دار چه بوده و در کجا بافته شده‌اند؟ نمونه‌های بررسی شده در این مقاله با مرور صدها جلد بروشور حراجی‌های لندن از سال ۱۹۸۰م تاکنون، و نیز تارنماهای موزه‌ها و سایر منابع مکتوب گردآوری و بدرسور توصیفی- تاریخی تحلیل و تبیین شده‌اند. افزون بر منابع کتابخانه‌ای، یکی از نمونه‌ها از طریق مطالعه میدانی به‌تازگی به‌واسطه نگارندگان یافت شده است.

#### پیشینه پژوهش

حسین عmadزاده در بخشی از کتاب زندگانی حضرت امام علی این موسی الرضا(ع) به سه پارچه زربفت در موزه آستان قدس اشاره کرده و کتبیه‌های آنها را خوانده است (عمادزاده، ۱۳۶۰: ۲۶۲-۲۶۸).

محسنی نیز در کتاب شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی: ضریح پوش‌ها و صندوق‌ها، یکی از نمونه‌های مورد مطالعه در این مقاله را معرفی کرده است. گرچه، به تحلیل محتوای کتیبه‌ها نپرداخته است (محسنی، ۱۳۹۳: ۲۴-۳۰). فاطمه مهرابی و بهروز عوض‌پور در مقاله‌ای به‌اشتباه، یک علم عزا را به عنوان «مقبره‌پوش دوره صفوی» در نظر گرفته و به تحلیل رنگ‌های آن با تکیه بر آراء علاء‌الدوله سمنانی پرداخته‌اند (مهرابی و عوض‌پور، ۱۳۹۸، ۲۴۱). آنان بدین نتیجه رسیده‌اند که «مقبره‌پوشی که با این نظام و رنگ‌ها طراحی و تولید شده، به طور تمثیلی نمایانگر بخشی از سفر روحانی انسان به‌سوی پروردگار است که از پیش در جریان بوده و گویی مدتی با حیات جسمانی انسان به‌وقفه افتاده و با گذشتן از جسم دوباره آغاز می‌شود» (مهرابی و عوض‌پور، ۱۳۹۸، ۲۴۱). اما، اکنون شواهد محکمی در دست داریم که آن پارچه را یک علم عزا بدانیم که در ادامه تبیین می‌شود.

حقیقان غربی در بروشورهای آثار محفوظ در موزه‌های مختلف، توصیف‌های مختصراً درباره یک اثر خاص ارائه نموده‌اند و آنها را قبرپوش خوانده‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به کلد فُن فولزاخ و آن‌ماری بِرنستد (Folsach & Bernsted, 1993: 28, 117-118) و محمد آقا‌الوغلو (Ağa-Oğlu, 1941: 38)، شیلا کنbi (Canby, 2009: 238) و لوییس مکی (Mackie, 2015: 384) اشاره کرد. آنتونی ولش نیز در کتاب خوشنویسی در هنرهای دنیای مسلمانان دو نمونه از این منسوجات را به اختصار معرفی کرده است (Welch, 1979: 150-151, 154-155). بنابراین، تاکنون هیچ پژوهش عمیقی درباره این گروه از منسوجات مهم دوره صفوی انجام نشده است و در این مقاله برای نخستین‌بار، کاربرد و محتوای کتیبه‌های آنها بررسی و تحلیل می‌شود.

## ۱. نمونه‌های قبل از سده دوازدهم هجری قمری

در میان نمونه‌های پیش از سده دوازدهم باید به سه پارچهٔ زریفت در موزه آستان قدس اشاره کرد. نمونهٔ اول صندوق‌پوش زربفت مقبرهٔ امام رضا(ع) است که در سال ۹۵۲ق/۱۵۴۶-۱۵۴۵م میرنظم کاشانی آن را در رشت بافته و واقف شخصی به نام حاجی‌اسوار لاهیجی بوده است (تصویر ۱). کتیبهٔ نام بانی بدین شرح است: «کرده است این تحفه نظر (نذر) مرقد شاه جهان / کالبجار حاجی‌اسوار از دیار لاهیجان». نام بافنده نیز بدین دو صورت آمده است: «شد به توفیق حی سبحانی، عمل میرنظم کاشانی» و «عمل میرنظم، کار رشت، سنه ۹۵۲» (محسنی، ۱۳۹۳: ۲۸).

این اثر به‌شکل مکعب-مستطیل و از دو قطعه ساخته شده است: یکی برای رویه به‌بعد ۲۲۰×۱۲۰ سانتی‌متر و دیگری برای دیواره‌ها به‌بعد ۱۵۰×۶۳۵ سانتی‌متر. طرح کلی این پارچه، شامل راهراه‌های عمودی موسوم به «محرمات» در رنگ‌های مختلف است. در کتیبه‌های نوار محترماتی دعای شیعی نادعلی، اسماء «یا الله، یا محمد، یا علی» و نام‌های واقف و بانی آمده است. این نوارها با نقش اسلیمی،

ختایی و پرنده‌گان به رنگ‌های مختلف تزیین شده‌اند. چهار کتیبه افقی حاوی آیات سوره فتح به مثابهٔ حاشیه‌هایی در بالا و پایین دیواره‌ها، نوارهای محramat را قطع کرده‌اند.



تصویر ۱. صندوق پوش زربفت مقبره امام رضا (ع)، ۲۲۰×۱۲۰×۱۵۰ سانتی‌متر، ۹۵۲ق/۱۵۴۵-۱۵۴۶م، موزه آستان قدس رضوی (محسنی، ۱۳۹۳: ۲۶).

نمونه دوم پارچه‌ای زربفت به ابعاد  $314 \times 101$  سانتی‌متر است که به‌سفارش شاه سلیمان صفوی (حکم ۱۰۷۷-۱۰۵۱ق/۱۶۶۶-۱۶۹۴م) در سال ۱۰۸۰ق/۱۶۷۰-۱۶۶۹م بافته شده است (تصویر ۲). این اثر با رنگ‌بندی مشابه نمونه قبلی، ۳۳ نوار محramat دارد و بدین سبب که در گذشته از آن به عنوان بیرق استفاده شده است، از بالا و پایین نقشان دارد (عمادزاده، ۱۳۶۰: ۲۶۲). در این اثر، کتیبه‌های فراوان قرآنی، حدیث، دعایی و شعر به خطوط ثلث، نستعلیق و کوفی معمولی با طراحت تمام بافته شده‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به آیدالکرسی، آیه «انما يرید الله ليذهب عنكم الرجس...»، صلوات کبیره، دعای نادعلی، «يا دليل المتحررين يا غفار الذنوب و ستار العيوب»، دعای «اللهم إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ...»، «تَبَّعَنَا»، «ذِكْرُ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حَلَالَهُ»، «تَبَّعَنَا ذِكْرُ الْفَغُورِ الرَّحِيمِ...»، «... مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ربِّ الْعَالَمِينَ»، «عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ»، «يَا عَزِيزَ يَا حَكِيمَ» و «يَا مُحَمَّدَ، [يَا] عَلَى» اشاره نمود. نام کاتب بدین صورت ثبت شده است: «كتبه محمدرضا الامامي» (عمادزاده، ۱۳۶۰: ۲۶۲). محمدرضا از خطاطان مشهور ثلثنویس است که آثار او در ایوان‌های آستان و کتیبه‌های میناکاری گردید طلا بر جای مانده

است. وقفنامه در سه بیت درج شده است. بیت اول بهنام پادشاه در دو قاب درشت، و ابیات بعدی شامل ماده‌تاریخ در چهار قاب کوچک با قلم ریزتر آمده‌اند: «صاحب دوران سلیمان پادشاه / آنکه باشد دولت و بختش بکام / کرد نذر مشهد شاه رضا / شدّه (شده‌ای) از روی اخلاص تمام / کرد طاهر بهر تاریخش رقم / "از سلیمان شدّه شد وقف امام"».۱۰۸۰

در سال ۱۹۳۸ فیلیس اکرمن، هر دو قطعه زیرفست مذکور را در کتاب سیری در هنر ایران چاپ کرده است (Ackerman, 1977: pls. 1083, 1084). از آنجا که کاربرد قطعه دوم بر او نامعلوم بوده، آن را نیز قبرپوش دانسته است و بدین‌سبب، تاحدودی، تمام منسوجات ابریشمی کتیبه‌دار صفوی که از آن زمان تاکنون به خارج از کشور راه یافته، قبرپوش معرفی شده‌اند؛ اما شاه سلیمان در پارچه نذر شده، دو بار کلمه «شدّه» به معنای عَلَم و بیرق را ذکر کرده است. با توجه به اینکه واقف شاه سلیمان بوده، اکرمن این پارچه را به اصفهان یعنی پایتخت منسوب کرده است. اما تخلص «طاهر» در شعر مذکور بر ما شناخته شده است و احتمال بافت این پارچه در کاشان را قوی‌تر می‌کند. این تخلص به محمد طاهر نقاش کاشانی، شاعر، نقش‌بند پارچه و خوشنویس متعلق است که بیازده سال پس از بافت این اثر (۱۰۹۱ق/ ۱۶۸۰م) در کاشان درگذشت و سنگ قبرش نیز حفظ شده است (غیاثیان و اسدی‌چیمه، ۱۳۹۹: ۱۰-۱۱).



تصویر ۲. بخش‌هایی از یک پارچه زریفت، ۱۰۸۰ق/ ۱۶۷۰م، مؤذن آستان قدس (Ackerman, 1977: pl. 1084).

شاه سلیمان، شدّه دیگری را نیز در همان سال ۱۰۸۰ق به آستان وقف کرده که به آیات سوره فتح، «نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین (صف: ۱۳) یا محمد یا علی خیر البشر» و «علیاً ولی الله حقاً

حقاً» مزین است. سه بیت شعر نیز در قاب‌بندی‌هایی مشابه نمونه پیشین حاوی نام بافنه، شاعر و واقف آمده است «بافت حسب الحكم شه این شدہ را / حاتم از بهر علی موسی الرضا / طبع مسعود از گل وصفش شکفت / این دو مصرع از پی تاریخ گفت / کرد وقف از وحی و توفیق الله / شدہ زرین سلیمان پادشاه، ۱۰۸۰» (عمادزاده، ۱۳۶۰: ۲۶۳).

## ۲. نمونه‌های سده دوازدهم

### ۱-۱. پرچم مورخ ۱۱۰۷ عمل اسماعیل کاشانی

یک پرچم مثلثی زریفت بزرگ در موزه هنر متروپولیتن نگهداری می‌شود که اسماعیل کاشانی آن را در سال ۱۱۰۷ق/ ۱۶۹۵-۱۶۹۶م بافته است (تصویر ۳). در یک قاب بزرگ لوزی شکل در مرکز پارچه، آیات سوره نصر (بسمله و سه آیه) و تاریخ ۱۱۰۷ آمده است. در فضاهای خالی اطراف این قاب مرکزی، پنج قاب کوچک‌تر در اشکال مختلف قلبی و بادامی طراحی شده‌اند. کتیبه‌های این قاب‌ها، به ترتیب از راست به چپ و از بالا به پایین عبارت‌اند از: «إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمُنْصُورُونَ وَ إِنْ جُنَاحُهُمُ الْغَالِبُونَ» (صافات: ۱۷۲-۱۷۳)، «وَ كَفَى بِاللَّهِ وَ كِيلَا» (احزاب: ۳)، «يَا مفتاح الابواب» و «يَا رفيع الدرجات». طرفه درج تاریخ شروع (۱۱۰۶) و پایان (۱۱۰۷) به دو صورت ماده‌تاریخ و رقمی در یکی از این قاب‌های است که نشان می‌دهد نقش‌بندی و بافت این پرچم ماهما طول کشیده است: «رایت فتح آبد» ۱۱۰۶ / کردن تاریخ شروع / "رایت نصر من الله" ۱۱۰۷ / بهر اتمامش علم. عمل العبد اسماعیل کاشانی. تمام کتیبه‌ها به خط ثلث بر زمینه طلایی هستند، به استثنای کتیبه شعر و رقم هنرمند که به نستعلیق است.

کهن‌ترین نمونه‌های تصویری پرچم‌ها در هنر ایران به نقاشی‌های جامع التواریخ، به‌ویژه بخش تاریخ غزنویان در نسخه محفوظ در کتابخانه دانشگاه ادبیه و برمی‌گردد که البته همچنین این پرچم‌ها، کتیبه‌دار نیستند.<sup>۱</sup> جنس پرچم‌ها معمولاً از ابریشم بوده و در شاهنامه نیز عبارت «پرنیانی درفش» بارها تکرار شده است (Melikian-Chirvani, 1988).

بیرق‌های کتیبه‌دار زیادی از قلمرو عثمانی بر جای مانده که کاربری‌های نظامی و مذهبی داشته‌اند (Denny, 1974: 67-81). این در حالی است که بیرق‌های کتیبه‌دار ایرانی نسبتاً نادر هستند. بیرق موزه متروپولیتن با توجه به دارا بودن کتیبه‌ای از سوره صفات (همانا ایشانند که پیروزند و همانا سپاه ماست که پیروز است) و نیز عبارت «رایت فتح» کاربری نظامی داشته است. این فرضیه، با تصاویر شاهنامه طهماسبی تقویت می‌شود که در یکی از نگاره‌ها، دو پرچم مثلثی کتیبه‌دار به‌رنگ‌های قرمز و سبز ترسیم شده‌اند (تصویر ۴). در قاب میانی پرچم قرمز عبارت «نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین، يا محمد

۱. برای نگاره‌های این نسخه، نک. Rice, 1976.

یا علی» نوشته شده و نوک پرچم‌ها به توغ‌های فلزی منتهی می‌شود. در یکی دیگر از نگاره‌های همین نسخه، پرچمی آبی‌رنگ با عبارت یکسان دیده می‌شود، با این تفاوت که پس از «یا علی»، «خیر البشر» آمده است (تصویر ۵).



تصویر ۵. بخشی از نگاره «کشته شدن شیده توسط کیخسرو»، شاهنامه طهماسبی، گ ۳۶۰، تبریز، نیمة نخست سده ۱۰ق، موزه هنرهای معاصر تهران (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۲۹۹).

تصویر ۴. بخشی از نگاره «کشتن قارن بارمان توسط کیخسرو»، شاهنامه طهماسبی، را، شاهنامه طهماسبی، تبریز، نیمة نخست سده ۱۰ق، مجموعه خصوصی (Welch, 1976: 138)

تصویر ۳. پرچم زریفت، ۱۱۰۷ق/۱۶۹۵-۱۶۹۶م، ۸۹×۱۷۹ سانتی‌متر، موزه هنر متروپولیتن (شماره: ۱۹۳۸,۳۸,۱۶۷).

## ۲-۲. پارچه ابریشمی مورخ ۱۱۱۰ق

در این پارچه در فواصل منظم، کتیبه‌های تکرارشونده از «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتَحًا مُّبِينًا» آمده‌اند (تصویر ۶). در هر ردیف، هشت مرتبه این آیه نوشته شده است. دو ردیف از این کتیبه‌ها در کنار هم چسبیده و در بالا و پایین آنها کتیبه‌های تکرارشونده از بسمله و تاریخ ۱۱۱۰ آمده است. در بالا و پایین این نوار کتیبه‌ها، فضاهای مربع-مستطیلی بزرگ و بدون نوشتار به رنگ قرمز آمده است. کتیبه‌ها به رنگ‌های زرد، سبز، مشکی و نباتی است.



تصویر ۶. پارچه ابریشمی و بخش بزرگ شده‌ای از آن، ۱۱۱۰-۱۶۹۸ق/ ۷۷۴-۱۶۹۹م، ۷۵×۲۷۴ سانتی‌متر

(Christie's, 2008: 166-167, lot 190)

### ۳-۲. دو پارچه مورخ ۱۱۲۲ق

از مجموعه پارچه‌هایی که در این مقاله معرفی می‌شوند، این نخستین نمونه تاریخ‌دار با کتبه‌ای به‌نام امام حسین(ع) است (تصویر ۷). در این پارچه، جدولی با هشت ردیف و چهار ستون طراحی شده است. هر کدام از خانه‌های این جدول، قاب‌بندی شده و در میان هر قاب عبارت «یا امام حسین شهید ۱۱۲۲» به خط نستعلیق و بهشیوه مثنی‌نویسی آمده است. در بالا و پایین این جدول، یک نوار افقی با قاب‌های تکرارشونده از عبارت «یا محمد» دیده می‌شود. در حاشیه‌های عمودی چپ و راست نیز قاب‌هایی از «نصر من الله و فتح قریب» تکرار شده است. حاشیه‌های عمودی به‌رنگ‌های زرد و قرمز، و سایر بخش‌ها به‌رنگ‌های زرد و سبز است. پارچه بدون تاریخ دیگری با همین نقشه بر ما شناخته شده است، با این تفاوت که به‌جای رنگ سبز در آن از رنگ آبی استفاده شده و بدون کتبه‌های «نصر من الله» است (تصویر ۸).

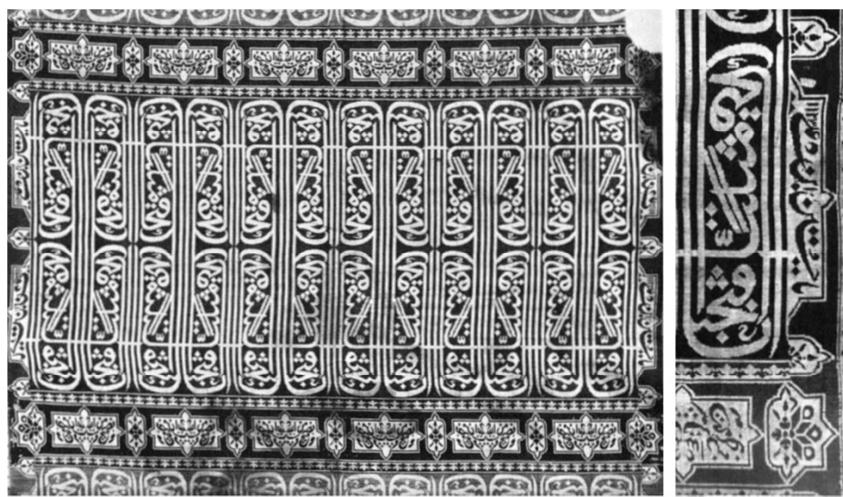


تصویر ۷. پارچه ابریشمی، ۱۱۲۲ق/۱۷۱۰-۱۷۱۱م، ۹۰×۵۹ سانتی متر، قبلاً در مجموعه سم فاگ<sup>۱</sup> (Christie's, 2013: 56, lot 112) . تصویر ۸. پارچه ابریشمی، حدود سال ۱۱۲۲ق، ۸۲×۶۸ سانتی متر (URL 1).

## ۲-۴. پارچه مورخ ۱۱۲۳ق

در موزه تاریخ منسوجات<sup>۲</sup> در شهر لیون، پارچه‌ای به تاریخ ۱۱۲۳ق نگهداری می‌شود که آن‌تونی ولش آن را معرفی کرده است (Welch, 1979: 154-155). در این پارچه به شیوه‌ای بسیار ماهرانه، شبکه‌ای در هم تنیده از عبارت «إنا فتحنا لك فتحاً مبيناً» به صورت متنی نویسی طراحی شده است (تصویر ۹). این طرح شبکه‌ای با کشیدن الفها در عبارت قرآنی فوق ایجاد شده است. در بالا و پایین این شبکه، قاب‌های تکرارشونده از «نصر من الله و فتح قریب» مشابه نمونه شماره ۳-۲ دیده می‌شود. در چپ و راست آن در قاب‌هایی عبارت «يا حسين ابن على ۱۱۲۳» آمده است. طراحی چشمگیر این اثر به گونه‌ای است که نمی‌توان جهت خاصی برای آن متصور شد و نوشه‌ها از چهار جهت هستند.

1. Sam Fogg.  
2. Musée Historique des Tissus.



تصویر ۹. پارچه ابریشمی، ۱۱۲۳ق/۱۷۱۱-۱۷۱۲م، ۱۳۲×۲۱۳ سانتی‌متر، موزه تاریخ منسوجات، لیون فرانسه  
. (Welch, 1979: 154-155)

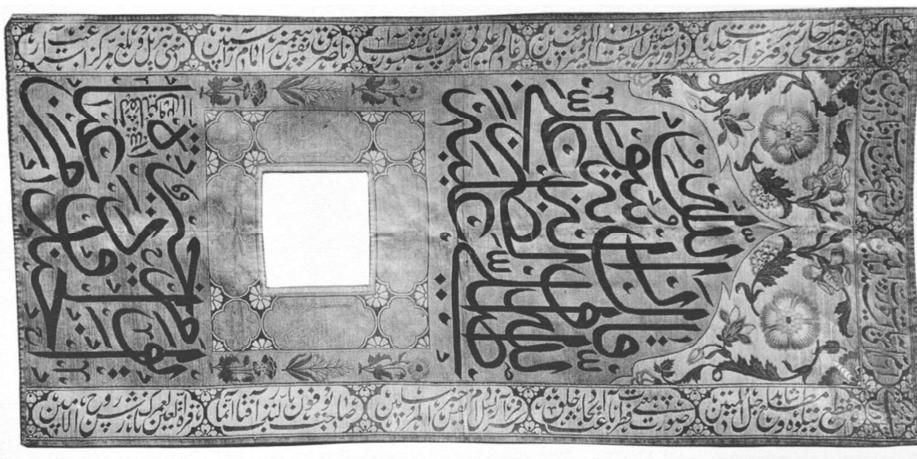
#### ۲-۵. پارچه زربفت متعلق به حرم امام علی(ع) مورخ ۱۱۲۹ق

محمد آقاوغلو این پارچه را در سال ۱۹۴۱ در کتاب فرش‌ها و منسوجات صفوی در مجموعه حرم امام علی در نجف چاپ کرده است (Ağa-Oğlu, 1941: pl. XIX) و از وضعیت فعلی آن اطلاعی نداریم (تصویر ۱۰). تزیینات این پارچه محرابی شکل، شامل نقوش گل دار و کتیبه‌هایی به خط ثلث در مرکز، و نستعلیق در حاشیه است. در میان پارچه، دریچه‌ای مربعی با کاربری نامعلوم تعییه شده است. کتیبه اصلی در زیر قوس محرابی چنین است: «قال رسول الله: لضربي على يوم الخندق أفضل من عبادة الثقلين ۱۱۲۹.» در حاشیه، شش بیت شعر درون دوازده قاب ثبت شده است که آقاوغلو شاعر آنها را نیافته است،<sup>۱</sup> اما در حقیقت، این اشعار، ایات آغازین از هفت‌بند مشهور کمال الدین حسن بن محمود کاشی، شاعر شیعی اوایل سده هشتم هجری، در مدح امام علی(ع) است. محل بافت این پارچه نامعلوم است، اما ثبت اشعار حسن کاشی می‌تواند

اسمان عز و تمكين، آفتاب داد و دين  
داور هر شش جهت، اعظم امير المؤمنين  
ناصر حق، نفس پیغمبر، امام راستین  
مقطوع يتلوه شاهد، مطلع جبل المتنین  
سر اصل نسل آدم، نفس خیر المرسلین  
قرة العین لامرک، نازش روح الامین»

۱. «السلام اي سایهات خورشید رب العالمين  
مفتقى هر چار دفتر، خواجه هر هشت خلد  
عالی علم سلُوی، شهسوار لَوْکشِف  
معنی تزیل و بلخ مرکز اسرار غیب  
صورت معنی فطرت، باعثِ ایجاد خلق  
صاحب یوفون بالنذر آفتاب آنما

یادآور کاشان به عنوان مکان احتمالی تولید آن باشد. در دو گوشۀ بالایی پارچه و در میان اشعار، فضاهای خالی وجود داشته که در آنها عبارات «یا محمد ادرکنی» و «یا علی مدد» آمده است.



تصویر ۱۰. پارچه زریفت، ۱۱۲۹ق/۱۷۱۶-۱۷۱۷م، ۴۹×۱۰۲ سانتی‌متر، حرم امام علی(ع)، نجف (Ağa-Oğlu, 1941: pl. XIX).

## ۲-۶. دو پارچه مورخ ۱۱۵۳ق

این دو قطعه به‌سبب دارا بودن نام‌های خطاط، بافنده، وقف و تاریخ، نسبت به سایر نمونه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد (تصاویر ۱۱ و ۱۲). بخش میانی پارچه به‌چهار ردیف تقسیم شده و در هر ردیف، قاب‌های بزرگی به‌خط ثلث آمده است. در میان این قاب‌ها، قاب‌های کوچک‌تری به‌خط نستعلیق جای گرفته‌اند. در میان کتبیه‌های ثلث ردیف اول (از بالا) و سوم عبارت «ناد علیاً مظہر العجایب» تکرار شده است. قاب‌های کوچک میان آنها به‌دو بخش تقسیم شده که در بالایی عبارت «کتبه محمد مومن» و در پایینی بسمله آمده است. کتبیه‌های ثلث ردیف‌های دوم و چهارم در بردارنده عبارت قرآنی «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ» هستند و در کتبیه‌های کوچک میان آنها عبارت «تَصْرُّ منَ اللَّهِ وَ فَتْحُ قَرِيبٍ» نوشته شده است. حاشیه‌های باریک بالا و پایین پارچه، قاب‌بندی شده و در هر قاب، عبارت «وقف نمود حاجیه خوانزاده بنته [بنت] قاسم ابیانکی ۱۱۵۳】» به‌نستعلیق آمده است. در انتهای پایینی پارچه، در یک نوار باریک نام هنرمند دیده می‌شود: «عمل محمدحسین بن حاجی محمد کاشانی.»

کلد فُن فولزاخ و آن‌ماری بِرنسن‌د با توجه به نسبت کاشانی پدر بافنده و محتوای شیعی کتبیه‌ها، آن را به کاشان منسوب کرده‌اند، اما به‌طور قاطع درباره محل بافت آن اظهار نظر نکرده‌اند؛ چون پسوند ابیانکی برای نام وقف که به روستای ابیانه در ۳۵ کیلومتری کاشان برمی‌گردد، از چشم آنان دور مانده است (Folsach & Bernsted, 1993: 28).



تصویر ۱۲. پارچه ابریشمی، ۱۱۵۳ق/ ۱۷۴۰م، ۱۷۴۱-۱۷۴۱م، ۹۰×۱۱۲ سانتی‌متر، مجموعه دیوید (شماره ۱۱۸)، کپنهاگ (Folsach, 2001: 381)، (Christie's, 2013: 55, lot 111).

## ۷-۲. پارچه ابریشمی بدون تاریخ

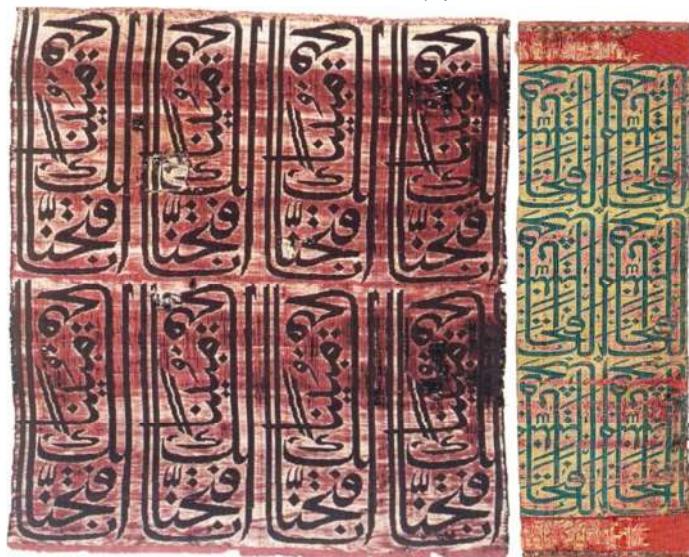
در این پارچه در فواصل نسبتاً منظم، سه قاب مستطیلی قرمزرنگ آمده است که در میان هر قاب، نه مرتبه عبارت «قال النبي صلی الله عليه و آله و سلم: حسین منی و أنا من حسین» به همان رنگ قرمز دیده می‌شود (تصاویر ۱۳ و ۱۴). در بالا و پایین همین قاب‌ها، این حدیث به رنگ آبی بر زمینه نباتی رنگ جلوه‌گر است. در فضاهای بین قاب‌های قرمز، کتیبه‌های «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مِّنْ بَيْنِ أَرْبَابِ الْأَرْضِ» در سه رنگ نخدوی، مشکی و فیروزه‌ای تکرار شده‌اند. هشت حاشیه باریک عمودی با تکرار بسمله به رنگ‌های متفاوت در میان کتیبه‌های فوق به چشم می‌خورد. در انتهای سمت چپ پارچه در یک نوار عمودی، یازده مرتبه نشان شیعی خمسه که از این دوران به بعد در علم عزای امام حسین(ع) کاربرد وسیع یافته، به رنگ نباتی بر پس زمینه قرمز آمده است و در میان هر کدام عبارت «الله ربی» نوشته شده است. کتیبه «إِنَّا فَتَحْنَا» در منسوجات ابریشمی متعددی در آن زمان بافته می‌شد که قطعاتی از آنها در مجموعه‌های مختلف نگهداری می‌شود (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۳. پارچه ابریشمی، ۱۲۵×۳۸۹ سانتی متر (Sotheby's, 2009: 114-115, lot 115).



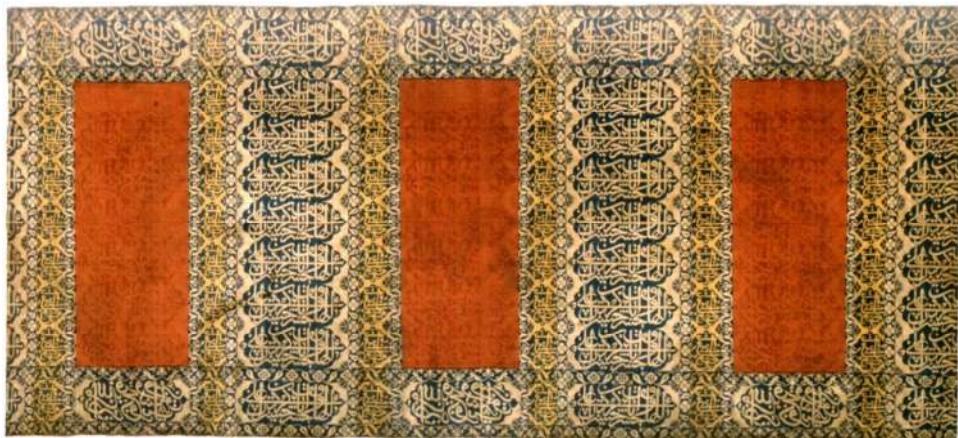
تصویر ۱۴. بخش هایی از تصویر ۱۳.



تصویر ۱۵. دو قطعه ناقص از منسوجات ابریشمی با کتیبه «إِنَّا فَتَحْنَا». راست: ۳۵×۴۰ سانتی متر، مجموعه خلیلی (شماره: Christie's, 2014: 81, lot 79) (Piotrovsky, 2000: 210)، (TXT 74). چپ: ۱۶×۵۳ سانتی متر.

## ۲-۸. چند قطعه پارچه ابريشمي وقف امام حسین(ع)

در موزه هنر فيلادلفيا، پارچه‌ای نگهداری می‌شود که مشابه نمونه پيشين سه قاب مستطيلي قرمز دارد و در چهار طرف آنها كتيبة‌های نوشتاري به خط ثلث آمده‌اند (تصویر ۱۶). درون هر قاب، هفت مرتبه عبارت «نصر من الله و فتح قريب» خوانده می‌شود و در بالا و پایین اين قاب‌ها، همين عبارت بهرنگ سفید بر پس زمینه آبي خوانده می‌شود. تمام كتيبة‌ها به طور زيباي با نقش گياهي قاب‌بندی شده‌اند. در فضاهاي بين قاب‌هاي قرمز، كتيبة «الله تا حشر وقف حسين على گردان» نه مرتبه از بالا تا پایین به دو رنگ آبي و سفید تكرار شده است. در ستون‌های ميان كتيبة‌هاي «نصر من الله» و وقفنامه، قاب‌هاي تكرارشونده «يا حسين مظلوم» بهرنگ زرد بر پس زمینه آبي ديده می‌شود. نکته در خور توجه اين است که فقط كتيبة وقفنامه از اين سمت پارچه خوانده می‌شود و دو كتيبة ديگر به صورت متعاكس هستند و از پشت پارچه باید خوانده شوند. كتيبة وقفنامه، چنان پيچيده نوشته شده که تاکنون از طرف محققان خوانده نشده است. لويس مکی و شيلا کنبی صرفاً اشاره کرده‌اند که حاوی نام امام على و حسين است و در حقیقت کلمه «حشر» را «حسن» خوانده‌اند (Mackie, 2015: 384; Canby, 2009: 238).



تصویر ۱۶. پارچه ابريشمي وقف امام حسین<sup>(۴)</sup>، ۹۰ سانتی‌متر، موزه هنر فيلادلفيا (شماره ۱۹۲۲,۲۲,۹۰)

در زمستان سال ۱۴۰۰ش، نگارندگان پارچه‌ای مشابه نمونه موزه فيلادلفيا در روستاي جوشقان استرك در ۲۰ کيلومترى کاشان کشف نمودند (تصویر ۱۷). اين قطعه متشكل از دو پارچه بهم دوخته با عرض ۹۰ سانتى‌متر و طول تقربياً يكسان است که در مجموع ۴۹۱ سانتى‌متر طول دارد و اکنون در موزه منسوجات خانه منوچهری کاشان نگهداري می‌شود. علاوه بر كتيبة‌هاي پارچه فيلادلفيا، در اينجا كتيبة‌هاي بسمله نيز بافته شده است. بنابر مصاحبه ميداني با اهالي در محل کشف اين پارچه تا حدود

صد سال قبل هنوز صنعت نساجی سنتی وجود داشته و هنوز آثار مخربه‌ای از کارگاه «شومال‌بافی»<sup>۱۶</sup> بر جاست. می‌دانیم که صنعت نساجی در منطقه کاشان صدها سال سابقه داشته و هزاران کارگاه پارچه‌بافی در شهر و روستاهای اطراف فعال بوده است.<sup>۱۷</sup> بنابراین، این پارچه بدون اطلاعاتی مانند تاریخ و محل بافت است، اما پیدایی آن در منطقه کاشان قرینه‌ای برای منسوب کردن این گروه از منسوجات به کاشان است. قطعه کوچکی از پارچه مشابه (تصویر ۱۸) به تازگی در حراجی کریستیز عرضه شده است (Christies's, 2022: lot 47) چه بسا، نمونه‌هایی از این اثر در مجموعه‌های دیگر باشد.



تصویر ۱۷. دو قطعه پارچه ابریشمی به هم دوخته شده، کشف شده در روستای جوشقان استرک، ۴۹۱×۹۰ سانتی متر، موزه منسوجات خانه منوجهی کاشان، (نگارنده‌گار، ۱۴۰۱).



تصویر ۱۸. بخشی از یک پارچه ابریشمی، ابعاد کل: ۵۲×۵۲ سانتی‌متر، حراجی کریستیز، لندن (URL 2: Christies's, 2022: lot 47).

#### ۲-۹. پارچه‌ای با کتیبه «ای پادگار حیدر کرار»

طراحی این پارچه افقی به صورت ستون‌هایی است که در هر سوتون، قابندهای کتیبه‌دار تکرار شده است (تصویر ۱۹). ستون‌ها به صورت یک درمیان پهن و باریک هستند. در تمام ستون‌های باریک، قاب‌های

۱. در این کارگاه، نخهای پنبهی استحکام بخشی، شستشو و رنگرزی می‌شده است. شومال را شوی‌مال، یعنی کسی که پارچه را آهار و

جلا می‌دهد، معنا کرده‌اند (نک. دهخدا، ۱۳۳۸: ذیل واژه).

<sup>۲</sup> برای تاریخ نساجی کاشان، نک. غیاثیان، ۱۳۹۹: ۱۷-۱۹.

دواری با مضمون «یا الله یا محمد یا علی» آمده‌اند. ستون‌های پهن به‌طور یک‌درمیان حاوی عبارت «إننا فتحنا لك فتحاً مبيناً» و «ای یادگار حیدر کرار یا حسین» به صورت دوستونی هستند. رنگ غالب ستون‌ها به تناوب شامل سبز، قرمز و مشکی است. کتیبه «إننا فتحنا» مشابه نمونه‌های پیشین به ثلث و دو کتیبه دیگر به نستعلیق است. شعر درج شده در این پارچه، مصروف دوم یک بیت است («ای نور چشم احمد مختار حسین / ای یادگار حیدر کرار حسین») که در توغ مسجد چهاردرخت روستای جوشقان به تاریخ ۱۰۷۷ و علم حسینیه در ده نوش آباد حک شده است (مشهدی نوش آبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۳) و نشان از رواج آن در منطقه کاشان دارد.



تصویر ۱۹. بخشی از یک پارچه به طول ۳۵۳ سانتی‌متر، موزه مدرسه طراحی رود آیلند<sup>۱</sup> (شماره: ۵۵. ۵۳۶). (URL 3).

## ۱۰-۲. پارچه موزه ملی ایران

این پارچه بدون تاریخ دربردارنده کتیبه‌های بسمله، «نصر من الله و فتح قریب» و «إننا فتحنا لك فتحاً مبيناً»، «یا حسین شهید» و «یا امام حسین شهید» است (تصویر ۲۰). دلیل نبود تاریخ در برخی از این پارچه‌ها این است که کاربرد گسترده داشته و همه ساله بافته می‌شدند. این پارچه از نظر کاربست قاب‌های قرمز با نمونه‌های پیشین شباهت دارد، اما حاشیه‌های آن به رنگ سیاه طراحی شده است. از آنجا که در دوره صفوی برای رنگ مشکی از سولفات آهن استفاده می‌شد، الیاف مشکی در منسوجات این دوره در حال از بین رفتن هستند (محسنی، ۱۳۹۳: ۳۰). به همین سبب، برای استحکام بخشی پارچه، آن را بر پارچه‌ای نخودی رنگ دوخته‌اند.

1. Rhode Island School of Design Museum, Providence.



تصویر ۲۰. پارچه ابریشمی و بخشی از آن، موزه ملی ایران (شماره: ۲۰۲۲۳).

### ۳. بحث و تحلیل

#### ۳-۱. مضامین کتیبه‌ها

کتیبه‌های منسوجات ابریشمی دوره صفوی مورد بررسی، متناسب محتوای مذهبی است و بیشتر شامل دسته‌ای از آیات قرآن با مضمون فتح و پیروزی، و نوشته‌های فارسی و عربی با محوریت حسین(ع) و علی(ع) و پس از آن محمد(ص)، اسماء الحُسنی و صلوات کبیره است. آیات مربوط به فتح و نصرت شامل آیه سیزده سوره صف (هفت مورد)، آیه آغازین سوره فتح (شش مورد)، سوره نصر (یک مورد) و آیه آغازین آن (یک مورد) است. این گونه آیات در علم توغه‌های سده دوازدهم هجری زیاد کاربرد داشته است، با این تفاوت که در توغه‌ها، سوره نصر با بسامد بیشتری آمده است. دلیل آن نیز به نقش‌بندی پارچه‌ها برمی‌گردد که باید عبارات کوتاه در آنها تکرار می‌شد. آیات ۱۷۲ و ۱۷۳ سوره صافات، آیه سوم سوره فتح و بخشی از آیه سوم سوره احزاب نیز هر کدام در یک پارچه آمده‌اند که در نمونه‌های مشابه کمتر کاربرد دارد. در شدّه مورخ ۱۰۸۰ هـ همچنین آیه تطهیر موافق دیدگاه شیعه آمده است. آیه الکرسی به‌سبب طولانی بودن فقط بر یک نمونه نقش بسته است. بافت متون طولانی بر این پارچه که کاری دشوار و پرهزینه بوده و لابد به‌سفرارش اشخاصی چون شاه سلیمان مقدور بوده است. با وجود این، کثرت اسماء‌الحسنی و ادعیه و ذکرها توحیدی که در شدّه مورخ ۱۰۸۰ چشمگیر است و در پارچه‌های دوره‌های بعد چندان بازتابی نیافته است.

اسماء‌الحسنی و صفات خداوند نیز روی دو پارچه بازتاب دارد که کم‌ویش شبیه کتیبه‌هایی است که

در توغ‌ها و تزئینات معماري دوره صفوی مشاهده می‌شود. «يا الله يا محمد يا على» نیز دو بار آمده که در علم‌های ترسیم شده در نگارگری صفوی و نیز توغ‌ها قابل مشاهده است. در سه مورد نیز ترکیب محمد و علی آمده است. دعای نادعلی نیز که یکی از ادعیه پرکاربرد دوره صفوی است، سه‌بار در نمونه‌ها بازتاب یافته است. شش بیت شعر در منقبت امام علی(ع) نیز بر یکی از نمونه‌ها آمده است.

### ۲-۳. تولید منسوجات عاشورایی دوره سلطان حسین صفوی

در منسوجات بررسی شده به لحاظ محتوای کتبیه‌ای با دو نوع پارچه روبه‌رو هستیم؛ دسته‌ای که از سال ۹۵۲ آغاز و به ۱۱۱۰ ق ختم شده و دسته‌ای که از ۱۱۲۲ آغاز و به ۱۱۵۳ ق ختم می‌شود (جدول ۱). نکته در خور توجه درباره محتوای کتبیه‌های گروه اول این است که دلالت‌های شیعی در آنها به‌طورمعمول در قالب صلوٽ کبیره و تأکید بر امام علی(ع) است. گروه دوم در کاربرد آیات نصرت اشتراک دارند،<sup>۱</sup> اما نام حسین(ع) در آنها مرکزیت یافته و حتی در نمونه‌هایی که برای مرقد امام رضا(ع) یافته شده نیز دیده می‌شود.

بنابراین، باید به دنبال اتفاقی باشیم که در این دوران در حوزه فرهنگ ایران رخ داده است. مهم‌ترین رخداد تاریخی، تقارن بافت این پارچه‌های ابریشمی با سلطنت شاه‌سلطان حسین (حکم ۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق/ ۱۶۹۴-۱۷۲۲ م)، پادشاه ملایم، متشرع و آیین‌گر است که به‌برپایی آیین‌های محروم اهتمام زیادی داشته است. در بررسی استاد موقوفه‌ای این دوران با نکته مهمی روبه‌رو می‌شویم و آن، گسترش شدید آیین‌های عزاداری محروم و ایجاد موقوفات فراوان برای برگزاری این آیین‌هاست.

گرچه صفویان برپایی آیین‌های عزاداری و بزرگداشت امام حسین(ع) و دیگر ائمه را از جمله اهداف مذهبی خود می‌دانستند و بنابر گزارش‌های متعدد سیاحان این دوره، در ایام عزاداری امام علی(ع) و امام حسین(ع) آیین‌های مختلف در ایران برگزار می‌شده است (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۵؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۸۶؛ ۱۳۸-۱۲۵؛ تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۱۱، ۴۱۴؛ فیگوئروآ، ۱۳۶۳: ۳۱۲؛ اوئاریوس، ۱۳۶۳: ۷۴؛ ۱۱۲-۱۱۳؛ نیز نک. مظاہری، ۱۳۹۷: ۵۹-۱۳۹؛ اما در دوره سلطان حسین، روزبه روز و سال به‌سال آیین‌ها توسعه می‌یافته است (جعفریان، ۱۳۷۳: ۱/ج ۴۶۴-۴۶۵). با توسعه عزاداری‌ها، ضمانت برگزاری سالانه این آیین‌ها از جمله روضه‌خوانی مدنظر قرار گرفت و موقوفاتی مخصوص آن ایجاد شد. موقوفات عزاداری این دوران دو شکل داشت؛ برخی از آنها مخصوص عزاداری و برخی ضمن موقوفات دینی دیگر آمده است (نک. جعفریان، ۱۳۷۳: ج ۲/۸۸۵، ۹۰۱-۹۱۲، ۹۲۲؛ احمدی، ۱۳۸۵: ۹-۱۲؛ دانش‌بازدی، ۱۳۸۷: ۲۵۱).

تاریخ ثبت موقوفات، یعنی سال‌های ۱۱۱۹ تا ۱۱۳۳ ق، نیز هم‌راستا با تاریخ کتبیه‌های آیینی محروم است (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۴۰۱: ۲۸-۳۷). از سوی دیگر، در این دوران با ظهور عنصر حسینیه در مرکز

۱. برای تحلیل آیات نصرت در کتبیه‌ها، نک. مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۵-۱۳۶.

بافت شهری روبرو هستیم. نخستین حسینیه‌های شناسایی شده به صورت معناداری به همان سال‌های مربوط است که منسوجات ابریشمی حسینی ظهور یافتد. وقف‌نامه‌های حسینیه‌های امیر چخماق یزد، قاضی آران و سر پُلک یزد، به ترتیب به سال‌های ۱۱۲۰، ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ متعلق است (همان، ۳۷-۳۱). از طرفی، در نگاه به توغ‌های کتبیه‌دار عزاداری محرم که در واقع نوع مهمی از علم عزاست با تاریخ‌های مشابه روبرو می‌شویم، این توغ‌ها به طور عمده از دوره سلطان حسین و مربوط به سال‌های ۱۱۱۸ تا ۱۱۲۵ ق است (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۵-۱۳۸۹).

### ۳-۳. کاربرد منسوجات موره بررسی

درباره کاربری این نوع منسوجات ابهاماتی وجود دارد. محققان غربی، تمام این نمونه‌ها (به جز پرچم مثلثی موزه متروبولیتن) را «قبربوش»<sup>۱</sup> خوانده‌اند. شاید به‌سبب اینکه نخستین پارچه شناخته شده از این سبک، روی مزار امام رضا(ع) به کار رفته است. اگرچه می‌توان کاربردهایی مانند علم یا پرچم، تابوت‌پوش و حتی قبرپوش را فرض کرد، توجه به محتوا این منسوجات و همچنین ساختار هندسی برعی از آنان و کاربری گسترده آنها در آیین‌های مربوط به امام حسین(ع)، ما را بدین نکته رهنمون می‌کند که کاربرد اصلی آن‌ها، علم عزاداری بوده است که ممکن است به‌اشکال مختلف به کار رفته باشد. دلایلی که کاربرد اصلی این منسوجات علم، به‌ویژه علم عزاست به شرح ذیل است:

- الف). در دو پارچه وقفی شاه سلیمان صفوی برای مرقد امام رضا(ع) کلمه «شَدَّه» به معنای علم آمده است.
- ب). پارچه ابریشمی مثلثی مورخ ۱۱۰۷ ق ساختار علم یا پرچم دارد و در متن کتبیه آن نیز عنوان «رأیت» آمده است و با علم‌های ترسیم‌شده در نگارگری صفوی شباخت دارد (تصاویر ۳-۵).
- ج). به‌طور معمول، درج آیات نصرت و فتح به‌سبب کاربرد علم است که در کارزارهای نظامی و تظاهرات آیینی کاربرد دارد.
- د). شباخت کتبیه‌های این منسوجات با توغ‌ها و علم‌های دوره صفوی نشان‌دهنده کاربرد مشترک آنهاست (نک. مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۵-۱۳۸۹).
- ه). درج مکرر نام حسین(ع) در بیشتر این منسوجات، به‌ویژه در قالب وقف‌نامه («الها تا حشر وقف حسین علی گردان»)، نشان می‌دهد که این علم‌ها به عنوان نماد آیینی استفاده می‌شدند.
- و). نمونه‌ی عینی کاربرد این نوع منسوجات در نگاره‌ای با موضوع سوگواری دیده می‌شود (تصویر ۲۱). شباهت نوع کتبیه کاری مسلم می‌دارد که آنها کاربرد آیینی داشته و از میله علم آویخته می‌شوند. در این نگاره، پارچه‌ای از همان نوع روی تابوت متوفی نیز انداخته شده، اما انداختن علم یا پرچم؛ اعم از ملی یا

1. Tomb cover.

مذهبی روی تابوت امری معمول است و هنوز هم کاربرد دارد. ز). به طور معمول، این گونه پارچه‌ها که به قطع مستطیل دراز هستند، بر حول محور فلزی حلقه‌ای یا تخت دور آویخته شده و به شکل استوانه‌ای درمی‌آمدند.<sup>۱</sup> نگارگری صفوی، نقاشی‌ها و عکس‌های علم‌های عزاداری دوران قاجار و اوایل پهلوی و نیز نوع علم‌های استوانه‌ای امروزی می‌تواند نوع آویختن این گونه پارچه‌ها را نشان دهد.

ح). با این اوصاف، از این پارچه‌ها نه تنها برای بستن بر چوب علم، بلکه برای آذین‌بندی مجلس عزا نیز استفاده می‌شده است. در کتاب کشیک خانه همایونی از اواخر دوره صفویه، ضمن بیان تجملات ایام محرم در اصفهان و کاشان به «آیین‌بندی زربفت و مخمل» در کاشان نیز اشاره شده است (کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۰۸).



تصویر ۲۱. بخشی از نگاره «مجلس سوگواری، مرقع گلشن، ص ۱۷۰، نیمه نخست سده ۱۱ق، گاخ گلستان (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۴۴۴)».

۱. مانند حلقه بالای علم چهل گیسو (علم گیس)، نوعی علم که بر حلقه دور آن دهانه پارچه به صورت رشته‌ای می‌آویزند (نک. مشهدی نوشآبادی، ۱۳۹۵: ۱۷۰-۱۷۱).

### ۴-۳. محل بافت

به جز پارچه مورخ ۹۵۲ که یک کاشانی آن را در رشت بافته، در کتیبه‌های هیچ‌کدام از نمونه‌ها، محل بافت ذکر نشده است؛ اما قراین بسیاری در دست است که بر بافت این نمونه‌ها در کاشان دلالت می‌کند:

الف). پرچم مورخ ۱۱۰۷ که عمل اسماعیل کاشانی است.

ب). دو قطعه پارچه که «محمدحسین بن حاجی محمد کاشانی» آن را به سفارش یک واقف ایانه‌ای («حاجی خوانزاده بنته قاسم ایانکی») در سال ۱۱۵۳ بافته است.

ج). درج شعر حاوی ماده‌تاریخ سرودةً محمدطاهر، نقش‌بند پارچه و خوشنویس کاشانی بر پارچه زربفتی که در سال ۱۰۸۰ اق شاه سلیمان صفوی آن را به بارگاه امام رضا(ع) وقف کرده است.

د). کشف دو قطعه بهم دوخته‌شده از همین پارچه‌ها در روستای جوشقان استرک کاشان.

ه). سابقه دیرین و شهرت کاشیان به شیعه‌گری و تولید آثار هنری شیعی مانند منسوجات، کاشی‌ها، سفالینه‌ها، سنگ‌های مزار و غیره نیز تقویت‌کننده انتساب این نمونه‌ها به کاشان است.

**جدول ۱. مشخصات منسوجات ابریشمی کتیبه‌دار دوره صفوی**

کتیبه‌ها	تاریخ	افراد	ابعاد	محل نگهداری
سوره فتح، نادعلی، «یا الله، یا محمد، یا علی»	۹۵۲	واقف: حاجی اسوار لاهیجی. با福德ه: میرنظام کاشانی	۲۲۰×۱۲۰×۱۵۰	آستان قدس
آیه‌الکرسی، «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجن ...»، صلوات کبیره، نادعلی، «یا دلیل المتغیرین ...»، «اللهم إِنِّی أَسْأَلُكَ...»، «تیمنا بذکر الرحمن ...»، «تیمنا بذکر الغفور...»، «... مالک یوم الدین ...»، «علی ولی الله»، «یا عزیز یا حکیم» و «یا محمد، [یا] علی»	۱۰۸۰	واقف: شاه‌سلیمان. کاتب: محمدرضا الامامی. شاعر: طاهر	۳۱۴×۱۰۱	آستان قدس
سوره فتح، «نصر من الله ... (صف: ۱۳) یا محمد یا علی خیر البشر»، «علیاً ولی الله حقاً حقاً» و سه بیت شعر	۱۰۸۰	واقف: شاه‌سلیمان صفوی. با福德ه: حاتم، شاعر: مسعود	۱۲۷×۱۰۳	آستان قدس
سوره نصر، «إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمُنْصُرُونَ وَ إِنَّ جَنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»، «وَ كَفِى بِالله وَ كِيلًا»، «یا مفتاح الابواب»، «رایت فتح آید / کردند تاریخ شروع/ رایت نصر من الله/ بهر انتماش علم»، «یا رفیع الدرجات.»	۱۱۰۷	عمل اسماعیل کاشانی	۸۹×۱۷۹	موزه متropolitn
بسمله، «إِنَّا فَتَحْنَا ...»	۱۱۱۰	-	۷۵×۲۷۴	نامعلوم

نامعلوم	۹۰×۵۹	-	۱۱۲۲	«یا امام حسین شهید»، «یا محمد»، «نصر من الله ...»	۶
موزه منسوجات، لیون	۱۳۲×۲۱۳	-	۱۱۲۳	«إِنَّا فَتَحْنَا ...»، «نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ ...»، «يَا حَسِينَ ابْنَ عَلِيٍّ»	۷
حُرم امام علی <sup>(۲)</sup>	۴۹×۱۰۲	اشعار ملاحسن کاشی	۱۱۲۹	«قال رسول الله: لضريبه على يوم الخندق ...»، «يَا مُحَمَّدَ ادْرِكْنِي»، «يَا عَلَى مَدَدْ»، شش بیت شعر	۸
مجموعه دیوید	۹۱×۱۱۸	واقف: حاجیه خوانزاده ایانکی.	۱۱۵۳	«نَادَ عَلَيْنَا ...»، «إِذَا جَاءَ نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ»، «نصر من الله ...»	۹
نامعلوم	۹۰×۱۱۲	کاتب: محمد مومن. باونده: محمدحسین بن حاجی محمد کاشانی			
نامعلوم	۱۲۵×۳۸۹	-	-	«قال النبي(ص) حسین منی و أنا من حسین»، «إِنَّا فَتَحْنَا ...»، «الله ربی»	۱۰
موزه فیلاندیبا	۹۰×۲۰۰	-	-	«نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ ...»، «الْهَا تَا حَشْرٌ وَقْفٌ حَسِينٌ عَلَى گَرْدَان»، «يَا حَسِينَ مَظْلُومٌ»، بسمله ( فقط در پارچه منوچهری )	۱۱
خانه منوچهری کاشان	۴۹۱×۹۰				
نامعلوم	۵۲×۵۲				
موزه طراحی رود آیلند	۳۵۳ طول:	-	-	«يَا اللَّهُ يَا مُحَمَّدَ يَا عَلِيٍّ»، «إِنَّا فَتَحْنَا ...»، «إِي يَادِكَارِ حِيدَرِ كَرَارِ يَا حَسِينِ».	۱۲
موزه ملی ایران	-	-	-	بسمله، «نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ ...»، «إِنَّا فَتَحْنَا ...»، «يَا حسین شهید»، «يَا امام حسین شهید».	۱۳

#### ۴. نتیجه پژوهش

بافت پارچه‌های ابریشمی با کتیبه‌های عاشورایی بیشتر با توسعه شگرف عزادرای‌های محرم، ساخت حسینیه‌ها و ایجاد موقوفات برای آینه‌های محرم در دوره سلطان حسین، یعنی نیمه اول قرن دوازدهم و آخر کار صفویان مقارن است. منسوجات ابریشمی بافت‌شده که محتوای قرآنی و اسلامی دارند، از اویل دوره صفوی دارای محتوای اسلامی - شیعی شد. از میان پارچه‌هایی که نگارندگان با جستجوی گسترده به آن دسترسی یافته‌اند، ظاهراً از سده دهم بافت این پارچه‌ها معمول بوده است. در سده یازدهم رفتارهای آنها تغییر محتوایی داده و کتیبه‌های قرآنی و شیعی در صورت علم یا شده ظاهر شده که در اویل قرن دوازدهم با توسعه عزادرای‌ها از سوی سلطان حسین، این پارچه‌ها به‌طور مستقیم دارای مضامین عاشورایی شده‌اند و به‌شكل وسیعی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به‌لحاظ شخص محوری در

کتیبه‌های این دوره، توجه از امام علی(ع) به امام حسین(ع) معطوف شده که نقطه عطفی در تاریخ فرهنگ شیعه بهشمار می‌آید.

همزمانی این پارچه‌ها با تاریخ توسعه عزاداری‌های حسینی نشان می‌دهد که واقفان و آیین‌گزاران به بافت و تولید این پارچه‌ها و در نتیجه توسعه صنعت ابریشم‌بافی توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در اوایل دوره صفوی از پارچه‌های زربفت برای صندوق‌پوش مزار امام رضا(ع) استفاده شده است، اما با توجه به اسناد مکتوب و تصاویر نگارگری، به نظر می‌رسد کاربرد اصلی این پارچه‌ها به آیین‌های سوگ مربوط بوده و ممکن است از همین مسیر به آیین‌های سوگ شیعی راه یافته باشد؛ بنابراین با توجه به محتوای کتیبه‌ها و شواهد دیگر، کاربرد علم، به ویژه علم عزا برای بیشتر این پارچه‌ها مسلم است.

با توجه به متون وقف‌نامه این منسوجات، نام هنرمندان و پسوند اسمی آنان که روی نمونه‌ها ثبت شده، با قاطعیت می‌توان گفت که این پارچه‌ها به طور عموم از هنرمندان کاشانی است و به طبع باید محل بافت بیشتر آنها کاشان باشد. متون تاریخی بی‌شماری نیز به وجود هزاران کارگاه نساجی در کاشان و حومه آن گواهی داده‌اند.

## منابع

- ابن قولویه قمی، ابوالقاسم جعفر بن محمد (۱۳۹۷). کامل الزیارات. ترجمه محمدجواد ذهنی تهرانی. قم: پیام حق.
- احمدی، نزهت (۱۳۸۵). کارکرد موقوفات در گسترش مراضم مذهبی دوره صفوی. پژوهش‌های تاریخی، ۱، ۲۶-۷.
- ولناریوس، آدام (۱۳۶۳). سفرنامه. ترجمه احمد بهپور. تهران: ابتکار.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶). سفرنامه تاورنیه. ترجمه ابوتراب نوری. تصحیح حمید شیرانی. تهران: سنتای.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۳). صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- حسینی‌راد، عبدالمجید (ویراستار) (۱۳۸۴). شاهکارهای نگارگری ایران. تهران: موزه هنرهای معاصر.
- دانش‌یزدی، فاطمه (۱۳۸۷). کتبیه‌های اسلامی شهر یزد. تهران: سبحان نور و پایگاه میراث فرهنگی یزد.
- دلاواله، پترو (۱۳۷۰). سفرنامه. ترجمه شجاع الدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۸). لغتنامه: زیر نظر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران، سازمان لغتنامه.
- عمادزاده، حسین (۱۳۶۰). زندگانی حضرت امام علی ابن موسی الرضا(ع). ج ۲. تهران: گنجینه.
- غیاثیان، محمدرضا (۱۳۹۹). مقدمه‌ای بر شناخت چیتسازی کاشان با تکیه بر یک سند نویافته. پژوهش هنر، ۲۰، ۱۳-۲۸.
- غیاثیان، محمدرضا و ندا اسدی‌چیمه (۱۳۹۹). محمد طاهر نقاش کاشانی، شاعر ذوق‌نوون دوره صفوی. کاشان‌شناسی، ۲۵، ۳-۳۰.
- فیگوئروآ، دن گارسیا دسیلو (۱۳۶۳). سفرنامه. ترجمه غلام‌رضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- کاشانی، محمد شریف (۱۳۹۴). تاریخ کشیک خانه همایون. تصحیح و تحقیق اصغر دادبه و مهدی صدری. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). سفرنامه کمپفر. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
- محسنی، زهرا (۱۳۹۳). شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی: ضریح‌پوش‌ها و صندوق‌ها. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۳۸۹). بررسی کتبیه‌های توغ‌های عزاداری در ایران عصر صفوی. تاریخ و تمدن اسلامی، ۱۳، ۱۵۵-۱۳۱.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۳۹۵). چهل‌گیس در فرهنگ سوگ شیعی. ویراستار محسن حسام‌ظاهري. تهران: خیمه.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۴۰۱). اولین حسینیه‌های ایران بر پایه الواح وقفی. پژوهش‌های علوم تاریخی، ۳۲، ۲۲-۴۳.
- ظاهري، محسن حسام (۱۳۹۷). ترازدی جهان اسلام: عزاداری شیعیان به روایت سفرنامه‌نویسان، مستشرقان و ایران‌شناسان (از صفویه تا جمهوری اسلامی). ج ۱. اصفهان: آرما.
- مهرابی، فاطمه و بهروز عوض‌پور (۱۳۹۸). تحلیل رنگ‌های یک مقبره‌پوش دوره صفوی با تکیه بر آراء علاء‌الدوله سمنانی. ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ۵۷، ۲۴۱-۲۷۲.
- Ackerman, Phyllis (1977). "Textiles of the Islamic Periods: A. History," In *A Survey of Persian Art: From Prehistoric Times to the Present*, Vol. 11, ed. Arthur Upham Pope. Tehran: Soroush. 1995-2162.

- Ağa-Oğlu, Mehmet (1941). *Safavid Rugs and Textiles the Collection of the Shrine of Imām ‘Alī at al-Najaf*. New York: Columbia University.
- Canby, Sheila R. (2009). *Shah ‘Abbas: The Remaking of Iran*. London: British Museum.
- Christie's (2008). *Art of the Islamic and Indian Worlds, Tuesday 8 April 2008*. London: Christie's.
- Christie's (2013). *Art of the Islamic and Indian Worlds, Tuesday 25 April 2013*. London: Christie's.
- Christie's (2013). *The Saeed Motamed Collection – Part II*. London: 7 October 2013. [www.christies.com/lot/a-study-collection-of-textiles-mostly-safavid-5721500/?intobjectid=5721500&lid=1](http://www.christies.com/lot/a-study-collection-of-textiles-mostly-safavid-5721500/?intobjectid=5721500&lid=1) (accessed July 22, 2023).
- Christie's (2014). *Art of the Islamic and Indian Worlds, Including a Private Collection Donated to Benefit the University of Oxford, Part V. Thursday 10 April 2014*. London: Christie's.
- Christies's (2022). *Art of the Islamic and Indian Worlds including Oriental Rugs and Carpets, 27 October 2022*. London: Christie's.
- Denny, Walter B. (1974). "A Group of Silk Islamic Banners." *Textile Museum Journal* 4, no. 1: 67-81.
- Folsach, Kjeld von (2001). *Art from the World of Islam in the David Collection*. Copenhagen: The David Collection.
- Folsach, Kjeld von and Anne-Marie Keblow Bernsted (1993). *Woven Treasures: Textiles from the World of Islam*. Copenhagen: The David Collection.
- Mackie, Louise W. (2015). *Symbols of Power: Luxury Textiles from Islamic Lands, 7th-21st Century*. Cleveland, Ohio: The Cleveland Museum of Art.
- Melikian-Chirvani, A. S. (1988). "Banners", In *Encyclopaedia Iranica*, Vol. III, Fasc. 7, 712-714, available online at: [www.iranicaonline.org/articles/banners-alam-derafs](http://www.iranicaonline.org/articles/banners-alam-derafs) (accessed July 22, 2023).
- Piotrovsky, Mikhai B. (2000). *Art of Islam: Earthly Beauty, Heavenly Art*. Amsterdam: De Nieuwe Kerk.
- Rice, David Talbot (1976). *The Illustrations to the "World History" of Rashīd al-Dīn*. Edinburgh: Edinburgh University.
- Sotheby's (2009). *Arts of the Islamic World: Including Fine Carpets and Textiles, London, 1 April 2009*. London: Sotheby's.
- Sotheby's (2010). *Arts of the Islamic World: Including Fine Carpets and Textiles, London, 6 October 2010*. London: Sotheby's.
- Welch, Anthony (1979). *Calligraphy in the Arts of the Muslim World*. Folkestone: Dawson.
- Welch, Stuart Cary (1976). *A King's Book of Kings: The Shahnameh of Shah Tahmasp*. New York: Metropolitan Museum of Art.
- URL 1: <https://www.artfund.org/supporting-museums/art-weave-helped-buy/artwork/9207/tomb-cloth> (accessed July 22, 2023).
- URL 2: [www.christies.com/en/lot/lot-6393317](http://www.christies.com/en/lot/lot-6393317) (accessed July 22, 2023).
- URL 3: <https://risdmuseum.org/art-design/collection/tomb-cover-55536> (accessed July 22, 2023).